

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

تأمین حقوق ملی خلق کرده در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

شماره ۷۱۴ - چهارشنبه ۱۵ آذر ۱۳۹۶، ۶ دسامبر ۲۰۱۷

www.kurdistanmedia.com

اسرائیل
پایگاه نظامی ایران در
سوریه را بمباران کرد

۲

آمریکا
خرید آب سنگین
از ایران را متوقف کرد

۳

برگزاری مراسم
بزرگداشت درویشیان
ممنوع اعلام شد

۴

پیام دبیر کل
حزب دمکرات کردستان ایران
خطاب به ملت کورد

۲

ابوزیسون مرکزگرای ایرانی،
مانع اصلی اتحاد ابوزیسون

۴

فلسفی "حق"
و تمامیت ارضی

۵

زلزله،
سنبلی برای اتحاد ملی
و بهانه‌ای برای به چپاول

۷

سلفن

برج بابل

کریم پرویزی

بنابر رویدادهای تاریخی و حتا اسطوره‌ای برای تضعیف جامعه‌ای تا به سمت زوال و نابودی گام بردارد، باید در میان آن‌ها تفرقه و آشوب ایجاد کرد تا هم مسائل اصلی را فراموش کنند و هم تنها به مسائل داخلی مشغول شوند و خود به عامل نابودی‌شان بدل شوند.

در اسطوره‌های فرهنگی عبری و عربی آمده است که بابل، دارای تمدنی عظیم و پیشرفته بود و آنچنان توانمند بوده که دست به ساخت برجی عظیم زدند تا از آن طریق پادشاه بابل بتواند نظاره‌گر جهان باشد! -بنابر اسطوره‌ها، مردمان بابل این اقدام را با قدرت خدایگان خود مقایسه می‌کردند و قدرت خداوندگار بابل را به چالش می‌کشاندند!- به همین خاطر خدای بابل، آن سرزمین را دچار آشوب کرد و هر کدام را زبانی داد تا هیچکس کلام دیگری را نفهمد و اینگونه بود که دیگر نتوانستند با هم کار کنند و برج ناتمام ماند و آنچنان مشغول مسائل داخلی شدند که متوجه اطراف نمی‌شدند و اینگونه آرام آرام تمدن‌شان رو به زوال گذاشت و دشمنان بابل در تهاجمی، سرزمین آنان را تصرف کردند.

این اسطوره دستورالعمل دشمنان کورد بوده است چه در گذشته و چه حال. جمهوری اسلامی مثال بارز در پیش گرفتن چنین سیاستی است و حال نیز که دولت بغداد استمرار حاکمیت جمهوری اسلامی است از همان سیاست پیروی می‌کند.

نهادهای و سازمان‌های توطئه‌گر جمهوری اسلامی ایران سرمایه‌گذاری فراوانی کرده‌اند تا این باور را در میان کوردها نشر دهند که گویی امکان آن وجود ندارد که این ملت با هم متحد و همبسته باشند و مشکل اصلی کوردها این است که هر منطقه و هر عشیره و هر گروهی به سویی حرکت می‌کند و

ادامه در صفحه‌ی ۲

اجماع جهانی علیه سرچشمه ترور

خاورمیانه دست بکشد.

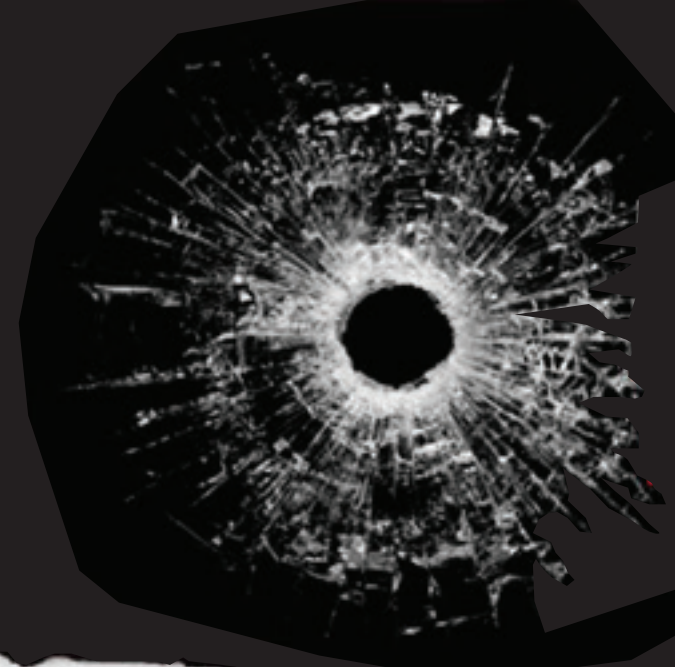
در این کنفرانس خبری که بعد از سخنان امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه، در ارتباط با تهدیدات فعالیت‌های موشکی ایران، برگزار شده بود، لودریان همراه با "زیگمار گابریل" وزیر خارجه آلمان اعلام کرد که: باید رژیم ایران از برنامه‌های موشکی خود و سیاست‌های سلطه‌طلبانه‌اش در منطقه دست بردارد.

سخنان وزیر خارجه فرانسه واکنش رژیم ایران را به همراه داشت. در همین ارتباط، بهرام قاسمی سخنگوی وزارت خارجه رژیم اسلامی، در سخنانی اظهار داشت: رژیم ایران، برنامه‌های موشکی خود را متوقف نمی‌کند و در این باره با هیچ کس مذاکره نمی‌کند.

در همان روز "ینسن استولنتبرگ" دبیر ناتو در بروکسل، برنامه‌های موشکی ایران و آزمایشات متعدد آن را تهدیدی جدی علیه هم‌پیمانان ناتو خواند و از استمرار این فعالیت‌ها ابراز نگرانی کرد. دبیر ناتو، در کنفرانسی خبری گفت: ما فعالیت‌های رژیم ایران برای توسعه برنامه‌های موشکی‌اش را تعقیب می‌کنیم و این فعالیت‌ها را تهدیدی علیه هم‌پیمانان ناتو

مسالهای اتمی جمهوری اسلامی، همچنان بعد از امضای توافق‌نامه‌ی معروف به برجام از محبت روز جوامع بین‌المللی‌ست با اینکه رژیم تهران چه پیش از امضای توافق مذکور و چه بعد از آن همیشه سعی بر آن داشته که چنین وانمود کند که همه مشکلات حل خواهند شد. ابهام در چندین بند توافق‌نامه و نیز حساسیت کوردهایی همچون عربستان و اسرائیل، موجب شده که ایالات متحده‌ی آمریکا و برخی از کشورهای اروپا در باب محتوای توافق مذکور دچار شک و تردید شوند.

این شرایط به ویژه بعد از آزمایشات موشکی سپاه پاسداران جمهوری اسلامی وارد فاز جدیدی شده است و بر فشارهای بین‌المللی افزوده است. "ژان لودریان" وزیر خارجه‌ی فرانسه، روز دوشنبه سیزدهم آذر ۱۳۹۶ شمسی، در کنفرانس خبری مشترکی با هم‌تای آلمانی خود در پاریس اعلام کرد: ایران باید از سیاست‌های موشکی و سلطه‌طلبانه‌ی خود در



پرتاب موشک، چندین پایگاه نظامی رژیم ایران در حومه‌ی دمشق را نابود کرده است. در همین رابطه ژنرال "مک مستر" مشاور امنیت ملی آمریکا، طی نشست‌ی در موسسه‌ی ریگان، از تلاش‌های ایران برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی سخن گفت و اعلام کرد: جمهوری اسلامی در حال صدور ترور به سراسر جهان است که این امر نیز از مبانی فکری رهبران تهران سرچشمه می‌گیرد و در واقع تهدیدی علیه تمدن جهانی محسوب می‌شود.

در چارچوب سیاست نوین واشنگتن در قبال ایران، مایک پومپئو، رئیس سازمان سی.آی.ای و لئون پانتا رئیس وقت سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا، در مقابل هر گونه فعالیت آشوب‌طلبانه و تهدیدآمیز جمهوری اسلامی هشدار دادند و اعلام کردند: رهبران جمهوری اسلامی ایران را مطلع ساخته‌ایم که در صورت هرگونه تهاجمی به منافع آمریکا در عراق باید

به ویژه هم‌پیمانان اروپایی خود قلمداد می‌کنیم. از سوی دیگر، نخست‌وزیر اسرائیل با تشبیه سیستم ولایت فقیه با آلمان نازی، این رژیم را به گسترش آشوب و جنگ متهم کرد. ناتانیاهو در پیامی ویدئویی به نشست سالانه‌ی رهبران آمریکایی-اسرائیلی در واشنگتن -فوروم سیان- بر این امر تاکید کرد که اسرائیل به تهران اجازه نمی‌دهد به سلاح اتمی دست یابد و اعلام کرد: ما نمی‌گذاریم رژیم تمامیت‌خواه ایران به سلاح اتمی دست یابد، رژیمی که خواهان نابودی اسرائیل است، ما نمی‌گذاریم که این رژیم به صورت نظامی در سوریه بماند چرا که می‌دانیم هدف‌اش از استقرار در سوریه نابودی هرچه سریعتر اسرائیل است.

ناتانیاهو در بخش دیگری از سخنان‌اش خطاب به سیاستمداران اروپایی و آمریکایی گفت: باید همانند ترامپ در راستای حذف نقاط ضعف برجام گام برداشت. این سخنان در حالی بیان می‌شود که اسرائیل در روزهای اخیر با

No differences between ISIS and Islamic Republic of Iran

لا إله إلا الله
محمد رسول الله

پیام دبیر کل حزب دمکرات کوردستان ایران خطاب به ملت کورد

ادامه سخن

از دست نمی‌دهید و می‌توانید با اراده‌ی والای‌تان، بلا یابی طبیعی و ویرانگر را به فرصتی بدل سازید.

شما از زلزله نیز نیرومندتر هستید به همین خاطر جمهوری اسلامی از وجودتان به هراس افتاده است و مستمرا علیه شما در حال توطئه‌چینی است و همین نیرو و اراده‌ی والای‌تان است که آنرا "راسان روزها" می‌خوانید. خیزشی که مبارزات شاخ و شار را به هم گره می‌زند تا کوردستان را به نیروی تاثیرگذار در تعیین آینده‌ی خود بدل سازد.

سیاس از آگاهی، هوشیاری و مقاومت‌تان، مبارزه‌تان مستمر، اراده‌تان تاثیرگذار و "راسان"‌تان نیرومندتر باد.

در پایان نیز به خانواده‌های جان‌باختگان این فاجعه‌ی دردناک و تمام کوردستان تسلیت می‌گویم و امید بهبودی عاجل دردها و زخم‌های آسیب‌دیدگان را دارم.

بی‌اعتمادی به رژیم در رساندن کمک‌های مردمی به دست قربانیان زلزله و آگاهی از توطئه‌های سپاه پاسداران در مانع‌تراشی در راه ارسال کمک‌های مردمی بود و نیز چگونگی بازگرداندن پیکر ابوبکر معروفی به زادگاهش و مراسم خاکسپاری او در شهر بوکان و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از هوشیاری، آگاهی و اراده‌ی والای کوردستان و تسلیم نشدن در مقابل رژیم جمهوری اسلامی خبر می‌داد. جنبشی که تکمیل کننده‌ی "نوروز جامانه‌ها" و "جشن پرچم" و خروش کوردستان ایران در استقبال و حمایت از برگزاری رفراندوم در کوردستان عراق بود.

خواهر و برادران مبارز

شما با حضور پرخروش‌تان نشان دادید، نه تنها در مقابل رژیم جمهوری اسلامی، بلکه در مقابل بلا یابی طبیعی نیز زانو نمی‌زنید و امید خود را

کوردستان شکل گرفت. زلزله‌ی اخیر با اینکه بخشی از سرزمین‌مان را به لرزه انداخت اما از آن مهمتر تحرک و جنبش بزرگی بود که تمام کوردها، از ماکو تا ایلام را در بر گرفت. جنبشی که از سویی جسم لرزان و آسیب‌دیده‌ی کودکان نجات یافته از این فاجعه را گرم کرده و لبخند امید را بر لبان قربانیان این رویداد دردناک جاری کرد که عزیزان‌شان را تنها در یک لحظه از دست داده بودند و غم بی‌کسی و آسیب‌دیدگی، توانشان را زایل کرده بود، اما در یک لحظه نیز میلیون‌ها کورد به مانند خانواده و قوم و خویش، شریک غم‌هایشان شدند تا مبادا این فاجعه هم‌میهنانشان را به زانو درآورد.

این جنبش و لرزه‌ی بزرگ از سوی دیگر، زلزله‌ای سیاسی بود. لرزه‌ای عظیم که ملت کورد بر پیکر رژیم جنایتکار ضد بشری و آزادی وارد کرد.

جنبشی که نشان دهنده‌ی



مصطفی هجری دبیرکل حزب دمکرات کوردستان ایران طی پیامی انسجام و اتحاد سراسری ملت کورد در یاری رساندن به قربانیان زلزله‌ی کرمانشان را ستود و آزر حماسه‌ای ملی خواند.

متن کامل پیام:

ملت آزادیخواه و مبارز کوردستان اگر زلزله‌ی شامگاه بیست‌ویکم آبان ۱۳۹۶ شمسی، نغمه‌ی

رئیس‌جمهور فرانسه خواستار انحلال "حشد شعبی" شد

ته. نیچروان پارزانی، روز جمعه دهم آذرماه عازم فرانسه شد و به با مقامات عالی‌رتبه‌ی این کشور از جمله رئیس‌جمهور فرانسه دیدار و نشست‌های ویژه‌ای داشته است.

ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق خواستار برگزاری همه‌پرسی در منطقه نفتی کرکوک و سایر مناطق مورد اختلاف تا پایان سال ۲۰۰۷ شده بود تا از جمعیت ساکن این مناطق پرسیده شود آیا خواهان این هستند که به اقلیم بپیوندند یا

کوردها در عراق از دولت این کشور خواست، ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق را اجرا کنند که مدت طولانی است به تاخیر افتاده و خواستار آن شد که مسئله سرزمین‌های مورد اختلاف میان بغداد و کوردها را حل و فصل کند.

کنفرانس خبری مشترکی با نیچروان پارزانی نخست‌وزیر کوردستان عراق، از دولت عراق خواست تا شبهه‌نظامیان وابسته به رژیم تروریستی ایران از جمله حشدالشعبی را منحل کند. مکرون با تاکید بر حقوق مسلم

رئیس‌جمهور فرانسه در دیدار با نخست‌وزیر کوردستان عراق از بغداد خواست تا شبهه‌نظامیان وابسته به ایران را منحل کند. بنا به گزارش خبرگزاری رویترز، در روز شنبه یازدهم آذرماه، امانوئل مکرون رئیس‌جمهور فرانسه در

مصدومیت دو فعال مدنی کورد و

از امداد رسانیان به قربانیان

زلزله‌ی کرمانشان



آنان اجتناب کرده بود، دو امداد رسانی کورد دیگر نیز دچار حادثه تصادف ماشین شدند. ابوبکر معروفی اهل بوکان و میلاد محمدی اهل دالاهو مشخصات دو امداد رسانی مذکور می‌باشند که طی حادثه تصادف ماشین و هنگام انجام فعالیت امداد رسانی به قربانیان زلزله‌ی کرمانشان جان خود را از دست دادند.

قابل ذکر است یکی از آخوندهای حکومتی در برنامه‌ای که از شبکه‌ی سه سیما منتشر شد در رابطه با قربانیان زلزله‌ی اخیر اظهار داشت: قربانیان زلزله‌ی اخیر نباید چشم به راه کمک‌های حکومتی باشند، آن‌ها باید تنها دعا کنند تا شاید مشکلاتشان حل شود. او در جای دیگری از سخنان خود افزود: آسیب‌دیدگان بلاهای طبیعی آئینه‌ی عبرتی خواهند بود برای دیگران.

دو فعال مدنی میروانی هنگامی که به قصد حضور در نشستی جهت برنامه‌ریزی برای کمک به آسیب‌دگان زلزله عازم سنندج بودند، دچار حادثه‌ی تصادف شدند. بنابر گزارشی از آژانس خبررسانی کردپا، امین عزیزی -عضو انجمن سبز چیا- و علی دل‌اویز -عضو مرکز علمی فرهنگی "رونان"- که به نمایندگی از انجمن‌های مردمی میروان عازم سنندج بودند تا در جلسه هماهنگی کمک‌های مردمی به زلزله‌زدگان کرمانشان شرکت کنند؛ در مسیر میروان - سنندج نزدیک روستای "لنگریز" با کامیون تانکر تصادف کرده و به بیمارستان کوثر سنندج منتقل شده‌اند.

در همین رابطه و طی روزهای نخست امداد رسانی مردمی به آسیب‌دیدگان زلزله‌ی کرمانشان که حکومت ایران به صورت تعمدی از ارسال کمک به

اسرائیل پایگاه نظامی ایران در سوریه را بمباران کرد



مشخصات این تروریست‌ها عبارت است از: حسین توکلی از سمنان، عبد الخالق حسنی، نجیب الله کاظمی، رجب علی یآوری از ورامین، محمد براتی از دلجان، سرور عظیمی، احمد طاهر عظیمی از قلعه نو تهران، مهدی امیری، عارف رضائی، علی شریفی، علی اصغر مقصودی و محمد حسین رضوی از قم. اسرئیل بارها اعلام کرده است که حملات هوایی به پایگاه‌های نظامی در سوریه با هدف جلوگیری از رسیدن جنگ‌افزار پیشرفته بدست حزب‌الله از خاک سوریه انجام شده‌است. فرمانده ارتش اسرئیل در همین رابطه اظهار داشته بود که: که کشورش صد بار به سوریه حمله کرده‌است.

به پایگاه‌های نظامی ایران در حومه‌ی دمشق خبر داده است. این روزنامه نحوه‌ی حمله به پایگاه‌های نظامی را حمله‌ی هوایماهای اسرئیل ذکر کرده و خبر رسانه‌های سوریه مبنی بر اصابت موشک‌های زمین به زمین را رد کرده است. همچنین مخالفان رژیم بشار اسد مدعی شده‌اند که یک مقر حزب‌الله واقع در پایگاه تیپ ۹۱ وابسته به لشکر یک ارتش سوریه، از جمله پایگاه‌های نابود شده در این بمباران بوده است. قابل ذکر است که رسانه‌های وابسته به سپاه تروریستی ایران، با اذعان به نابودی پایگاه‌های نظامی رژیم در این حمله‌ی هوایی، از کشته شدن ۱۲ نفر پاسدار خبر داده‌اند. بنابر گزارشات منتشره

نیروی هوایی اسرئیل در حمله‌ای، پایگاه‌های نظامی ایران در حومه‌ی دمشق را نابود کرد. بنابر گزارش رسانه‌های حکومتی سوریه، شامگاه شنبه یازدهم آذر، اسرئیل چندین پایگاه نظامی در حومه‌ی دمشق را بمباران هوایی کرده که نابودی کامل آن‌ها را در پی داشته است. این رسانه‌ها مدعی شده‌اند که پنج موشک زمین به زمین به سوی این هدف‌ها پرتاب شده بود که ضد هوایی سوریه دو موشک را ساقط کرده است، ادعایی که از سوی منابع اطلاعاتی غرب و خاورمیانه رد شده است. در همین رابطه روزنامه "هاآرتص" اسرئیل، از حمله‌ی هوایماهای این کشور

کورد هرگز نمی‌تواند بر سر منافع ملی خود به هماهنگی فراگیری برسد. با استمرار این سیاست می‌خواهند آنرا به اصلی غیرقابل انکار در میان سازمان‌های سیاسی و فرهنگی و اجتماعی کورد بدل کنند، در ضمیر ناخودآگاه کورد تثبیت یابد و کورد به صورت مداوم به مسائل و مشکلات داخلی سرگرم شود.

قطعا ما در جامعه‌ی کورد با مشکلاتی روبرو هستیم و نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد، اما این بدان معنا نیست که مسائل بنیادی را به فراموشی سپرد. در همین ایام، دولت بغداد که در هزاران مشکل دست و پا می‌زند و دست به ژینوساید زده و حتا در میان شیعه‌های حامی دولت نیز با اختلافات و مشکلات متعددی روبرو است اما در اظهارات‌شان چنین وانمود می‌کنند که مشکل اصلی عدم همبستگی کوردها می‌باشد و اگر آن‌ها از نوعی انسجام برخوردار باشند، به سخنان آن‌ها گوش می‌دهند!

جمهوری اسلامی ایران خود آنچنان گرفتار مشکلات و درگیری‌های داخلی‌ست که هرکسی رئیس‌جمهور چنین رژیمی می‌شود، از خدا می‌خواهد که دوران ریاست‌جمهوری‌اش تمام نشود چرا که بعد از اتمام زمامداری‌اش یا به قتل می‌رسد یا در خانه‌اش محبوس می‌گردد! تازه‌ترین نمونه‌ی این امر هم خفه کردن رفسنجانی و تحصن احمدی‌نژاد و دار و دسته‌اش در شاه عبدالعظیم و آربابا است. رژیم جمهوری اسلامی و امتداد این رژیم در بغداد که با پشتیبانی نیروهای بیگانه و با قرض‌های بین‌المللی به حیات خود ادامه می‌دهند، از آن رویی که کوردها در مقابل حاکمیت تهران و بغداد سینه علم کرده، می‌خواهند کورد را به مشکلات داخلی مشغول سازند تا از این راه مسائل اصلی را به فراموش بپسارند.

مسالهی اصلی در ایران این است که جمهوری اسلامی دستاوردهای انقلاب ملیت‌های ایران را به یغما برده و بنابر فتوای جهاد خمینی علیه کوردها، کوردستان را به اشغال خود درآورده است و از پشتیبانی ابرقدرت‌هایی همچون روسیه برخوردار است و تا زمانی که دست از سیاست اشغالگری خود نکشد و نیروهای اشغالگر کوردستان را عقب نکشاند، مسائل دیگر حاشیه‌ای محسوب می‌شود. جامعه کوردستان در هر بخش از سرزمین‌اش، باید مسائل و مشکلات داخلی را ببیند، اما باید آگاه باشد تا به سرنوشتی چون بابل دچار نگردد و آنچنان به مشکلات و مسائل داخلی مشغول نشود تا دشمن اصلی و مسائل محوری را به فراموشی بپسارد.



آمریکا خرید آب سنگین از ایران را متوقف کرد

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا نیز بارها، برجام را بدترین توافق منعقد شده در تاریخ این کشور خوانده است. در همین راستا و طی ده روز اخیر دو بار روسای جمهوری آمریکا و فرانسه با هم تلفنی گفتگوی داشته‌اند.

در سخنانی در روز چهارشنبه هشتم آذر، به سیاست‌های دولت اوباما در برابر ایران تاخت و اظهار داشت: به جای مقابله با این تهدید در حال رشد، دولت پیشین به آن‌ها توان دوباره‌ای داد و توافق فاجعه‌بار هسته‌ای را امضا کرد.

قابل ذکر است بعد توافق هسته‌ای مابین رژیم ایران و گروه ۵+۱، دولت پیشین باراک اوباما خرید آب سنگین از ایران را آغاز کرد. طبق برجام حداکثر ذخیره آب سنگین تولیدی ایران نباید از ۱۳۰ تن فراتر رود. با این حال توافق خرید آب سنگین از ایران، واکنش منفی و تند سناتورها و نمایندگان مجلس آمریکا را در پی داشت اما به علت حمایت اوباما از این طرح، اعتراض‌ها موثر نیافتاد. در همین رابطه مایک پنس

بنابر استراتژی جدید دولت آمریکا در قبال رژیم تروریستی ایران، این کشور خرید آب سنگین از ایران را متوقف کرد. بنابر گزارش نشریه "واشنگتن فری بیکن" در روز چهارشنبه، نهم آذر ماه، مقامات آمریکایی اعلام کرده‌اند که دولت این کشور بنابر استراتژی جدیدی که در قبال ایران در پیش گرفته است خرید آب سنگین را که از زمان دولت باراک اوباما آغاز شده بود، متوقف کرده است.

پارلمان کانادا از ایران خواست تا به سیاست‌های تبعیض آمیز علیه کوردها پایان دهد

کانادا خواست تا بر حکومت ایران فشار آورده تا به سیاست‌های تبعیض آمیز نسبت به کوردها پایان دهد. همچنین این نماینده‌ی پارلمان کانادا از دولت مطبوع‌اش خواست تا به یاری آوارگان بشتابد. قابل ذکر است که نامبرده به جای استان کرمانشاه از واژه کوردستان ایران استفاده کرده است.

بحران بعد از زلزله عمیق‌تر شده است. او در این رابطه افزود: ما ماهیت این فاجعه و اعتراضات در کوردستان را در اینترنت به وضوح دیده‌ایم و این امر جهان را از وقوع فاجعه‌ای انسانی در کوردستان، بعد از وقوع زلزله آگاه ساخته است. کمیچ، در پارلمان کشورش پس از ابراز همدردی با قربانیان زلزله‌ی کرمانشاه، از دولت

یکی از اعضای پارلمان کانادا در نشست علنی پارلمان این کشور، اظهار داشت حکومت ایران سیاست تبعیض را در برابر قربانیان زلزله‌ی کرمانشاه در پیش گرفته است. تام کمیچ، از نمایندگان پارلمان کانادا، در سخنانی در صحن پارلمان کانادا اظهار داشت که: بحران انسانی در کوردستان در حال رخ دادن است و این

رضا ضراب علیه مقامات ترکیه و همکاری با ایران شهادت می‌دهد

بخشی از سخنان خود اظهار داشت: ضراب در شهادت خود نشان خواهد داد که مقامات ترکیه‌ای با استفاده از مدارک جعلی، شرکت‌های دروغین و انتقال پول به شکل طلا، در دور زدن تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران نقش ایفا کرده‌اند. او متذکر شد: این جرائم امنیت ملی ما را در معرض خطر قرار داده است. دنتون افزود: شواهد پرده از فساد مالی بزرگ و در سطح جهانی بر می‌دارد. نقشه، حرکت میلیاردها دلار پول ایران را شامل می‌شده

دادستان پرونده‌ی مرتبط با دور زدن تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران، اعلام کرد که رضا ضراب تمام اتهام‌های خود را پذیرفته است. بنابر گزارشی از خبرگزاری‌های بین‌المللی، روز سه‌شنبه هفتم آذرماه، دیوید دنتون دادستان پرونده، در دادگاه حاضر شد و در بیانیه‌ای به هیئت منصفه و قاضی اطلاع داد که رضا ضراب به جرم خود اعتراف کرده و با دادستانی آمریکا وارد همکاری شده است. دادستان پرونده‌ی مذکور در

سعد حریری: حزب‌الله باید خلع سلاح شود

دورانی که گذشت شبیه یک زنگ هشدار و بیدارباش برای همه ما بود تا به منافع لبنان توجه بیشتری داشته باشیم. او سه شرط اصلی خود را به این ترتیب اعلام کرد: پایبندی به توافق طائف، در پیش گرفتن سیاست بی‌طرفی لبنان، آسیب نرساندن به روابط لبنان با کشورهای عربی. قابل ذکر است که بر اساس توافق‌نامه طائف که در سال ۱۹۸۹ برای پایان دادن به جنگ داخلی لبنان، به امضاء رسید

سعد حریری برای پس گرفتن استعفایش سه شرط را اعلام کرده که مهترین آن‌ها پایبندی به توافق "طائف" است. به گزارش خبرگزاری رویترز، سعد حریری نخست‌وزیر لبنان، طی سخنانی در روز پنجشنبه دوم آذر در "کنفرانس بانکداری منطقه‌ای" به مسأله‌ی استعفای خود و بحران سیاسی لبنان اشاره کرد و باقی ماندن در پست نخست‌وزیری مشروط به سه شرط دانست. او در این کنفرانس اظهار داشت:

در یک گفتگوی تلفنی، روسای جمهوری آمریکا و فرانسه بر مقابله و خنثی کردن فعالیت‌های بی‌ثبات کننده بنابر گزارش خبرگزاری‌های بین‌المللی، کاخ سفید با انتشار بیانیه‌ای در روز دوشنبه ششم آبان از گفتگوی تلفنی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده با امانوئل مکرون رئیس‌جمهوری فرانسه خبر داد. در این بیانیه آمده است: روسای جمهوری تاکید کردند که فرایند مذاکرات سازمان ملل در ژنو برای صلح سوریه

مایک پنس: ایران اصلی‌ترین حامی تروریسم است

صلی‌ترین حامی تروریسم است. او به تلاش‌های ایران به سلاح‌های کشتار جمعی و اتمی اشاره کرد و اعلام کرد: رژیم ایران برنامه سری هسته‌ای خود را دنبال می‌کند و در حال تولید موشک پیشرفته بالاستیک با هدف تهدید منافع آمریکا و متحدانش است. پنس به سیاست‌های اوباما و دولت مطبوع‌اش در قبال ایران تاخت و گفت: به جای مقابله با این تهدید در حال رشد، دولت پیشین به آنها توان دوباره ای داد و توافق فاجعه بار هسته ای را امضا کرد.

در حمایت و اشاعه‌ی آن در منطقه و جهان تشکیل می‌داد. پنس در این باره گفت: رژیم ایران عامل خونریزی و هرج و مرج از آرژانتین تا شبه جزیره عربستان است و به طور فزاینده به دنبال مسلط شدن بر خاورمیانه است. معاون رئیس‌جمهوری ایالات متحده به حمایت‌های رژیم ایران از گروه‌های تروریستی نیز اشاره کرد و گفت: هم اکنون رژیم ایران به القاعده، طالبان، حزب الله، حماس و دیگر گروه‌های تروریستی وحشی کمک می‌کند. او اظهار داشت: ایران

معاون رئیس‌جمهوری آمریکا طی سخنانی در اندیشکده‌ی هادسن اظهار داشت که رژیم اسلامی ایران طی دهه‌های اخیر نفوذ سرطان‌زای خود را در منطقه و جهان گسترانده است. اندیشکده‌ی هادسن، در روز چهارشنبه هشتم آذر، جایزه سالانه "هرمان کان" را به مایک پنس، معاون رئیس‌جمهوری آمریکا، اعطا کرد. در این مراسم ویژه مایک پنس به ایراد سخنانی پرداخت که محوریت آنرا تروریسم و نقش جمهوری اسلامی ایران

روسای جمهوری آمریکا و فرانسه: باید علیه فعالیت‌های بی‌ثبات کننده‌ی ایران ایستاد



به گفتگو پرداخته‌اند. همچنین هفته گذشته گروه‌های مخالف حکومت سوریه در نشست ریاض در عربستان بر سر اعزام یک هیات واحد به این مذاکرات به توافق رسیده‌اند. در همین رابطه، اخیرا شبکه جهانی بی‌بی‌سی در گزارشی همراه با تصاویر ماهواره‌ای مدعی شده بود که ایران در ده ماه اخیر یک پایگاه نظامی در ۱۴ کیلومتری حومه دمشق را برای فعالیت‌های دائمی خود در سوریه آماده کرده و بناهای جدیدی در این محوطه نظامی ساخته است.

تنها مذاکرات مشروح برای دست یابی به یک راه حل سیاسی در این کشور است. در این بیانیه به نقش مخرب و آشوبگرانه‌ی رژیم تهران در منطقه اشاره شده و متذکر می‌شود که: رهبران دو کشور بر نیاز فوری به مقابله و خنثی کردن فعالیت‌های بی‌ثبات کننده ایران در منطقه تاکید کردند. قابل ذکر است که طی ده روز اخیر این دومین بار است که روسای جمهوری آمریکا و فرانسه درباره‌ی کنترل و خنثی کردن نقش آشوبگرانه‌ی ایران در منطقه

در یک گفتگوی تلفنی، روسای جمهوری آمریکا و فرانسه بر مقابله و خنثی کردن فعالیت‌های بی‌ثبات کننده بنابر گزارش خبرگزاری‌های بین‌المللی، کاخ سفید با انتشار بیانیه‌ای در روز دوشنبه ششم آبان از گفتگوی تلفنی دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده با امانوئل مکرون رئیس‌جمهوری فرانسه خبر داد. در این بیانیه آمده است: روسای جمهوری تاکید کردند که فرایند مذاکرات سازمان ملل در ژنو برای صلح سوریه

اپوزیسیون مرکز گرای ایرانی، مانع اصلی اتحاد اپوزیسیون



مفتار نقشبندی

را به جهتی سوق دادند که به تشکیل حکومتی اسلامی ختم شد و مردم عملاً از چاله به چاهی افتادند که نزدیک به چهار سال است برای خروج از این چاه فقر و تبعیض و تعصب و ناامیدی تلاش می کنند. عوامل داخلی و خارجی متعدد و متکثری موجب شدند که ایران به این روز برسد، اما یکی از دلایل اصلی ایجاد وضعیت امروز و ادامه آن، نبود آترناتیو و بدیلی دمکرات است.

در بسیاری از کشورهای به اصطلاح جهان سوم و از جمله ایران هنوز فرهنگ دمکراسی به معنای واقعی آن شکل نگرفته و متأسفانه بخش بزرگی از اپوزیسیون در این کشورها از نظر پایبندی به دمکراسی و حقوق بشر تفاوت چندانی با رژیم‌هایی که با آن مخالف‌اند ندارند. نمونه‌های زیادی وجود دارند از جمله کشورهای عربی که در چند سال گذشته در آن‌ها انقلاب و دگرگونی سیاسی تحت عنوان بهار عربی روی داد که بیشتر به هیئت زمستانی برای طرفداران دمکراسی ظاهر شد و به جز تونس که تا حدودی این تغییرات سیاسی جهت مثبتی به

خود گرفت در بقیه کشورها با سرنگونی دیکتاتور و رژیم‌اش بازم دیکتاتوری جدید و حتی بدتر به قدرت رسید و عملاً به جز ویرانی گسترده و لطامات اقتصادی و ناامیدی بیشتر از آینده هیچ تغییر مثبتی روی نداد. در بیشتر کشورهای جهان سوم بعد از تغییرات گسترده سیاسی همان چیزی روی داد و می‌دهد که سال ۱۳۵۷ در ایران به وقوع پیوست و آن تنها تغییر دیکتاتور است.

مشکل اصلی تلاش برای تغییر رژیم و سرنگونی دیکتاتور، عدم وجود بدیل و آترناتیو دمکرات است، البته تنها ادعای دمکراسی و صحبت از آن و شعار کافی نیست بلکه باور به دمکراسی و عمل به آن مهم است. برای عمل به دمکراسی و گذر از تکرار سخنان زیبا اما بدون عمل باید فرهنگ‌سازی کرد که متأسفانه اپوزیسیون ایرانی در دهه‌های گذشته بسیار سطحی به این مسأله نگاه کرده و البته بعضی از گروه‌های اپوزیسیون هنوز هم به دلایل ایدئولوژیکی باور درست و کاملی به دمکراسی به معنای واقعی و کامل آن ندارند. در دمکراسی جایی برای مطلق‌گرایی و افراط‌گرایی وجود ندارد و هیچ انسانی مقدس و کامل نیست و همه قابل نقد و انتقاد هستند و در برابر قانون یکسان‌اند و رای اکثریت با رعایت کامل حقوق اقلیت مشروعیت دارد اما متأسفانه اکثریت اپوزیسیون ایرانی که در شهرهای زیبای آمریکا و اروپا ساکن هستند به جز حرف‌های تکراری چهار سال گذشته هیچ عمل و حرکت مثبتی برای سرنگونی رژیم انجام ندهاده‌اند و از امکاناتی مثل تلویزیون و سایت‌ها و دنیای مجازی بیشتر برای نقد مخرب و تهمت علیه بقیه گروه‌های اپوزیسیون استفاده می‌کنند. البته نقش نفوذی‌ها و عناصر سازمان اطلاعات رژیم

صورتی حاضر به پیوستن به هر اتحادی هستند که شروط غیردمکراتیک آنان بر بقیه تحمیل شود، در این مورد هم بیشترین مشکل از طرف احزاب مرکز گرا و حساسیت آنان در مورد ملیت‌های غیرفارسی است که تفاوت چندانی میان چپ‌ها و لیبرال‌ها وجود ندارد و همگی کم و بیش با حقوق ملیت‌ها مشکل دارند، حتی در کاربرد لغات هم بسیار حساس هستند و واقعیات را انکار می‌کنند. به عنوان مثال حاضر نیستند بپذیرند که آذری‌ها و عرب‌ها و کوردها و بلوچ‌ها ملت هستند و آنان را قوم خطاب می‌کنند! آذری‌های کشور آذربایجان را ملت اما هموطنان آذری خود را قوم می‌نامند! همینطور اعراب سایر کشورها را ملت و عرب خطاب می‌کنند اما اعراب ساکن در ایران را قوم! کوردهای ساکن در مناطق دیگر کوردستان را عراقی و ترکیه‌ای و سوریه‌ای می‌نامند اما از سوی دیگر کوردها را اصلی‌ترین قوم ایرانی می‌دانند!!!

نمونه‌های زیادی از تناقضات و ترس و رفتار غیردمکراتیک اپوزیسیون مرکزگرا وجود دارد اما بارزترین و مهمترین آن شرط پایبندی به تمامیت ارضی ایران است که در تشکیل هر شورایی هم حتی اشخاص مرکز گرا به شرطی در آن شرکت می‌کنند که حتما احزاب منتسب به ملیت‌ها قسم وفاداری و حفاظت از تمامیت ارضی را بخورند و امضاء هم بکنند!

حتی حق آموزش به زبان مادری که از حقوق اولیه هر انسانی است موجب ترس و وحشت اپوزیسیون مرکزگراست. انکار حقوق ملیت‌ها از جمله حق تعیین سرنوشت و استقلال کاری بیهوده است و اکثر آذری‌ها و کوردها و عرب‌ها و بلوچ‌هایی که در کشورهای آزاد ساکن هستند حتی حاضر نیستند عکس ایران و سرود ملی ایران را در صفحه شخصی خود در دنیای مجازی به اشتراک بگذارند و به آن افتخار بکنند و تنها به ملت خود افتخار می‌کنند. لازم به ذکر است که در همه پرسی استقلال اسکاتلند

در سال ۲۰۱۴ جوانان لندنی پلاکاردهایی بر دست داشتند که بر روی آن نوشته شده بود: هموطن اسکاتلندی من، استقلال حق تو است اما با هم بودن زیباتر است. اما متأسفانه بیشتر اپوزیسیون ایرانی ساکن بریتانیا که حدود ۴۰ سال است در آن کشور ساکن هستند هرگاه سخنی از حقوق ملیت‌های آذری، کورد، بلوچ و عرب می‌شود با خشم و کینه و زشت‌ترین لغات بر ضد این ملیت‌ها و حق تعیین سرنوشت آنان واکنش نشان می‌دهند.

تشکیل هر اتحادی بدون پایبندی به اصول دمکراسی و حقوق بشر نمی‌تواند آترناتیو و بدیلی کارآمد برای آینده ایران باشد و در صورت تغییر رژیم و نبود آترناتیوی دمکرات باز هم شاهد دوران تازه‌ای از جنگ و اعدام و هرج و مرج و سرکوب و عقب‌ماندگی خواهیم بود. همانند عراق که اپوزیسیون حزب بعث و صدام حسین که از ظلم و تبعیض حزب بعث در امان نبودند هم اکنون جنایات و ظلم و تبعیض بیشتری را به نسبت دوران حکومت بعثی‌ها علیه اقلیت‌های ملی و مذهبی انجام می‌دهند. اکثریت مردمان ایران از افراط‌گرایی دینی و رویاهای ایدئولوژیکی خسته شده‌اند و تنها دمکراسی به معنای واقعی آن می‌تواند آترناتیوی مثبت برای این مردمان باشد. همچنین ملیت‌های آذری، کورد، بلوچ و عرب و... که در مجموع بیش از ۶۰ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند حق دارند سرنوشت خود را تعیین کنند و هر نوع ضدیت و دشمنی با این حق آنان باعث افزایش شکاف اجتماعی میان ملیت‌های درون ایران می‌شود.

یکپارچگی یا تجزیه ایران مسأله‌ای است که باید مردمان ساکن این سرزمین در مورد آن تصمیم بگیرند نه چند نفر در لوس‌آنجلس یا برلین و پاریس. هموطن بودن با زور و انکار امکان پذیر نیست، به جای ائتلاف‌های کوچک و تاکتیکی و بی‌فایده باید برای اتحاد گسترده اپوزیسیون بر اساس اصول دمکراسی و حقوق بشر تلاش کرد.

برگزاری مراسم بزرگداشت درویشیان ممنوع اعلام شد



علی‌اشرف درویشیان خبر داد. علی‌اشرف درویشیان نویسنده، متولد ۱۳۲۰ شمسی - کرمانشاه، داستان‌نویس و پژوهشگر ادبیات عامه بود که پس از یک دوره طولانی بیماری و به دلیل نارسایی ریوی در چهارم آبان درگذشت، او هنگام مرگ هفتاد و شش سال داشت.

مراسم بزرگداشت علی‌اشرف درویشیان در سالن اجتماعات ساختمان پاسارگاد، در شهرک غرب تهران، با هیأت مدیره ساختمان پاسارگاد تماس گرفته و به آن‌ها اطلاع داده که مراسم نباید برگزار شود. قابل ذکر است شهناز دارابی‌ان، همسر درویشیان، این خبر را تأیید کرده و از فشار نهادی امنیتی و ممانعت آن‌ها از برگزاری مراسم بزرگداشت

کانون نویسندگان ایران اعلام کرد که نهادهای امنیتی رژیم از برگزاری مراسم بزرگداشت علی‌اشرف درویشیان جلوگیری کردند.

بنابر اخبار منتشره، روز جمعه دهم آذر، نهادهای امنیتی مانع برگزاری مراسم گرامیداشت یاد و خاطره علی‌اشرف درویشیان در تهران شدند. در همین رابطه کانون نویسندگان با انتشار جزئیات امر در شبکه‌های اجتماعی اعلام کرد که یک نهاد امنیتی چند ساعت قبل از آغاز

فلسفه‌ی "حق" و تمامیت ارضی



کریه پروری

ترجمه: شهرام میرزایی

معادل اصطلاح تمامیت ارضی در زبان انگلیسی "territorial integrity" می‌باشد که territory به معنای سرزمین تحت حاکمیت

حکومتی مشخص می‌باشد و فارس‌ها تعمداً کلمه‌ی ارض را به کار می‌برند در حالی که معنای صحیح آن، قلمرو است. پیش از آنکه به موضوع اصلی بپردازم، باید متذکر شوم که متأسفانه پدیده‌ی نامطبوع در میان برخی از فعالان سیاسی و گروهی از هواداران احزاب رواج یافته است که اکثر اوقات نیز شاهد تکرار آن می‌باشیم. قابل ذکر است که در جهان سیاست و در جریان مبارزه‌ی سیاسی، هر جریان و حزبی دیدگاه ویژه و مختص به خود را در مورد تعیین منافع عمومی و ملی و خلقی دارد و بنابر دیدگاه خود موضع می‌گیرد و دیدگاه‌هایش را پراکتیک می‌کند و این نیز امری طبیعی است و احتمالاً اکثر اوقات نیز شاهد تضاد این دیدگاه‌ها هستیم و در این میان نیز گروهی میل دارند که تمام جریانات سیاسی، از یک موضع و یک دیدگاه پیروی کنند اما باید یادآور شد که تفاوت خوانش‌ها امری طبیعی است و هیچگاه این واقعیت از بین نمی‌رود. از سوی دیگر بیان دیدگاه و نظر هر شخص و جریانی به نسبت دیدگاه و مواضع جریانات دیگر نیز، هم طبیعی و هم دمکراتیک است و اگر نتیجه‌ی این امر ایجاد گفتگمانی نقادانه باشد، آینده‌ی بهتر را برای جامعه رقم خواهد زد.

اما متأسفانه توهین و تحقیر مواضع و تعاملات یکدیگر در مقابل ایجاد گفتمان نقادانه و بنیادی، پدیده‌ی ناشایستی است که اکثر اوقات تکرار می‌شود. فضای توهین و تحقیر هیچ فرصتی برای ایجاد فهم متقابل و اصلاح مواضع نمی‌گذارد و تنها در این اندیشه گرفتار می‌شویم که ما نیز باید این توهین‌ها را جبران کنیم و نقاط ضعف یکدیگر را بیابیم و آنرا افشا کنیم. پدیده‌ی مذکور

نابهنجار محسوب می‌شود که از سویی شانتاژچی‌ها و در نهایت دشمن اصلی‌مان یعنی جمهوری اسلامی از آن سود خواهد برد.

پیش‌گفتار اگر از سایر ملیت‌های تحت ستم ایران بگذریم و تنها از ملت کورد بحث کنیم، اکثر احزاب و جریانات کوردی به دنبال حل مسأله‌ی کوردستان در چارچوب ایران هستند و هر کدام بنابر دیدگاه و سیاست خود، خواهان آن است که در جغرافیای سیاسی ایران به سیستمی عدالت‌محور دست یابد و خواست‌های برحق ملت کورد در این چارچوب تحقق یابد. قابل ذکر است هم آن ایرانی، که جناح‌های کورد در رویای ساخت آن هستند با ایران کنونی بسیار متفاوت است و هم در میان کوردها جریاناتی وجود دارد که خواهان استقلال کوردستان هستند و کاری با ایران و بنیادهایش ندارند.

آنچه که قابل اشاره است زاویه‌ی دید جناح و شخصیت‌های سیاسی کورد است نسبت به مسأله کورد که او را بر آن می‌دارد که به دنبال حل مسأله‌ی مختص به خود باشد.

چندین دیدگاه نسبت به مسأله ملی وجود دارد که در کوردستان نیز می‌توان آنرا مشاهده کرد که در اینجا به چند نمونه‌ی آن اشاره می‌شود. - بنابر یکی از این دیدگاه‌ها، چندین ملت متفاوت در طول تاریخ و در کنار هم در جغرافیایی به نام ایران زیسته‌اند و در زمان حال نیز به این سیر ادامه می‌دهند. این با هم بود الزاماً به معنای همزیستی مسالمت‌آمیز و در آرامش مطلق زیستن نیست و قرار بر آن نیست که در تمام ادوار، ارتباطات فی‌مابین این ملیت‌ها حسنه بوده باشد.

در این دیدگاه آنچه که اهمیت دارد تفاوت میان ملیت‌هاست و هیچ کدام بخشی از دیگری محسوب نمی‌شود و هیچکدام نسبت به دیگری ارجحیت ندارند و بودنشان در یک جغرافیای سیاسی - حال به زور اسلحه یا به هر دلیل دیگر - نشان از آن ندارد که با میل خود سرزمین‌شان را به دیگری تقدیم کرده باشند.

- اما دیدگاهی دیگر بر این باور است که با هم زیستن و احسا درگیری‌های میان گروه‌ها و منافع مشترک خلق در جغرافیای سیاسی ایران و مسأله‌ی فرهنگ‌ها و اختلاط اجتماعی و... پارامترهای ملتی به نام ملت ایران را ایجاد کرده و کورد را نیز به مانند بخشی از ملت ایران معرفی می‌کند که دارای ویژگی‌های فرهنگی مختص به خود است. - از منظر دیدگاهی دیگر، مسأله‌ی ملی و تفاوت ملی امری سطحی و غیرواقعی

است که تفاوت‌های فرهنگی و زبانی به بن‌مایه آشوب و اختلاف میان مردم بدل می‌شود و ایجاد سیستمی عدالت‌محور در میان شهروندان، می‌تواند زمینه‌ی حل تمام این مشکلات سطحی را مهیا سازد و چهره‌ی واقعی ناسیونالیست‌های فرصت‌طلب را آشکار کند.

در این جستار بیشتر بر دیدگاه‌های اول و دوم تمرکز می‌کنیم و دیدگاه سوم نماینده و تریبون خود را دارد که احتمالاً زیاد میل ندارد وارد چنین مباحثی شود و چنین مبحثی از دیدگاه او حاشیه‌ای محسوب می‌شود.

حق ملی و بنیادهای تئوری آن اکثر قریب به اتفاق احزاب کوردی در کوردستان دارای دیدگاه اول در قبال موجودیت ملیت‌ها در ایران و تعریف‌شان از ملت کورد است. به عبارت دیگر از دیدگاه این احزاب، در ایران چندین ملت وجود دارد که کورد نیز ملتی است که دارای حق و سرزمین مختص به خود است. از دیدگاه جریانات مذکور ملت کورد این حق را دارد که بتواند برای سرنوشت و سرزمین‌اش تصمیم بگیرد و آنرا اداره کند و احتمالاً راهکارهایی که هرکدام از احزاب برای این حق در نظر داشته باشند با هم متفاوت باشد. به عنوان مثال از آن رویی که حزب دمکرات کوردستان ایران از لحاظ سیاسی، ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی امکان استقلال را مهیا نمی‌بیند، در چارچوب جغرافیای سیاسی ایران به دنبال یافتن راهی برای احقاق حقوق مسلم ملت کورد، و خواهان آن است که کورد، اراده‌ی ملی خود بر خاک و خلق‌اش را به دست بیاورد و کشور ایران نیز هویتی جدید برای خود بازتعریف کند تا ملیت‌های متفاوت بتوانند در کنار هم و به صورت مسالمت‌آمیز زندگی کنند. البته اغلب اوقات نیز صراحتاً اعلام کرده است که اگر کورد خواستار استقلال باشد و حتا اگر بخواید با بخش‌های دیگر کوردستان یکی شود، نه تنها جرمی مرتکب نشده است بلکه حق مسلم اوست و این امر همبستگی و اتحاد کوردستان تجزیه شده است.

نیروهای کوردی که در چارچوب جغرافیای سیاسی ایران به دنبال حل مسأله می‌گردند بسیار طبیعی‌ست که به دنبال متحد نیز بگردند. روزگاری و در مقطعی تاریخی، کوردها بر این باور بودند که نیروهای چپ سراسری بنابر بنیادهای فکری‌شان می‌توانند احقاق حقوق‌شان باشند. که بعدها حزب توده را دیدیم که چگونه مستمراً در حال خیانت به حقوق ملت‌ها و تلاش برای به انحراف کشاندن مبارزات کوردها فعالیت می‌کرد.

کورد برای تداوم مبارزه‌اش و فائق آمدن بر دشمن اصلی خود یعنی جمهوری اسلامی و برای تضمین دستاوردهایش بعد از سقوط جمهوری اسلامی ایران، نیازمند هم‌پیمان است و از این منظر هر حزبی، می‌تواند خوانشی متفاوت برای نوع و

شیوه‌ی ایجاد هم‌پیمانی داشته باشد.

حزب دمکرات کوردستان ایران، بر این باور است که ملیت‌های دیگر تحت ستم ایران مانند بلوچ، عرب و... می‌توانند هم‌پیمان کورد باشند. همچنین بر این باور است که امکان ایجاد هم‌پیمانی با احزاب ملت فارس که حقیقتاً به دمکراسی باور دارند، وجود دارد و می‌توانند باور مبارزه‌ی برحق ملت کورد باشند.

در روزگاران کهن، هر ملتی بنابر کثرت نیروهای مسلح و تعداد افراد جنگی‌اش می‌توانست سرزمین ملت‌های دیگر را تصرف کند یا در مقابل هجوم اشغالگران مقاومت کند و سرزمین خود را حفظ کند و در واقع منطق حاکم آن روزگاران، منطق زور و اسلحه بود. در شرایط کنونی علاوه بر منطق زور، اگر بتوانی از میان دستاوردهای جهانی و افکار عمومی دریچه‌ای برای مشروعیت حقوق و خواست‌هایت بیابی امکان ایجاد دیالوگ با مردمان دیگر وجود خواهد داشت و همانگونه که دکتر قاسملو متذکر می‌شد، می‌توانی برای مبارزات حامی سیاسی پیدا کنی. از همین منظر است که حزب دمکرات و سایر احزاب سال‌هاست که از زاویه‌ی منشور حقوق بشر و دیدگاه‌های معاصر سخن می‌گویند. فارغ از این امر که این دستاوردهای جهانی می‌تواند حامی مبارزات ما باشد، در واقع پتانسیل امکان ایجاد شیوه‌ی زندگی و اداره مناسب‌تر و موفقیت‌آمیزتری را نیز مهیا می‌کند.

علاوه بر منشور حقوق بشر، سند دیگری به نام پیمان‌نامه‌ی حقوق مدنی و سیاسی، که کمتر به آن اشاره می‌شود و احتمالاً برای خواننده و فعال سیاسی ایران کمتر شناخته شده باشد، نیز در دسترس است، که در سطور بعدی به دلایل این گمنامی اشاره می‌کنیم.

در اینجا به چند بند از این پیمان‌نامه که با حقوق گروه و جامعه ارتباط دارند اشاره می‌کنیم: بند پانزدهم منشور جهانی حقوق بشر از حقوق ملی سخن می‌گوید که فارس‌ها تنها به مفهوم تابعیت آن اشاره می‌کنند و ما کوردها نیز می‌توانیم از معنای ملت بودن آن بهره ببریم.

بند پانزدهم متذکر می‌شود: کورد و عرب و بلوچ و... به نظر من تا بدینجا توانسته‌ایم بنیادی سیاسی، فلسفی و استراتژیک را برای تعریف خود و حقوق ملی‌مان مشخص کرده باشیم و با این روش می‌توانیم مشروعیتی جهانی نیز به خواست‌هایمان بدهیم. اما آنچه که مهم است و می‌خواهم به آن اشاره کنم تحریفی‌ست که برخی از دیدگاه موجود در ملت فارس، که دیدگاهی فاشیستی به مسائل دارند، توانسته‌اند بر فضای سیاسی ایران تحمیل

Everyone has the right to a nationality No one shall be arbitrarily deprived of his nationality nor denied the right to change his nationality.

در بعضی از ترجمه‌ها، این بند اینگونه برگردان شده است: هر انسانی محق به داشتن تابعیتی [ملیتی] است. هیچ احدی را نمی‌بایست خودسرانه از تابعیت [ملیت] خویش محروم کرد و یا حق تغییر تابعیت [ملیت] را از وی دریغ نمود.

در این بند به روشنی سخن از حق ملیت و اینکه شخص

حق دارد خود را عضو ملتی بداند به میان آمده است و جریانات سیاسی و فکری فارس‌ها در اکثر ترجمه‌ها تنها از مفهوم و معنای تابعیت برای nationality بهره جسته‌اند تا از این طریق ملیت‌های دیگر ایران متوجه نشوند که بنابر منشور جهانی حقوق بشر می‌توانند مدعی هویت ویژه‌ی ملی خود شوند و این امر حقی مشروع بین‌المللی است.

از این عیان‌تر و مهم‌تر پیمان‌نامه‌ی حقوق سیاسی و مدنی است که در بیست‌وینجم آذر ۱۳۴۵ تصویب شده است و ایران نیز در سال ۱۳۴۷ شمسی پیمان‌نامه‌ی مذکور را امضا کرد. در این پیمان‌نامه بندهای متعدد سیاسی و مدنی قابل تاملی گنجانده شده که حقوق گسترده‌ای را برای گروه‌ها و جوامع به رسمیت شناخته است. اما در بند اول این پیمان‌نامه به روشنی از حقوق مسلم ملت‌ها سخن به میان آمده است.

بند اول متذکر می‌شود:

All peoples have the right of self-determination. By virtue of that right they freely determine their political status and freely pursue their economic, social and cultural development.

تمام خلق‌ها حق خودمختاری دارند. بواسطه این حق، آن‌ها وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توسعه فرهنگی خود را آزادانه تعیین می‌کنند.

در این بند به وضوح از حق تعیین سرنوشت برای مفهومی به نام people اشاره شده است نه فرد یا ملتی که دارای دولت است که بیشتر تحت عنوان nation شناخته می‌شود بلکه از خلق سخن می‌گوید، حال آیا این خلق صاحب دولت باشد یا نه، مهم نیست.

در واقع روشنفکر و فعال سیاسی فارس از آن رویی کمتر به این پیمان‌نامه اشاره می‌کنند که میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی، این حق عمومی و فراگیر را برای خلق‌ها و جوامع جهان در نظر گرفته است. آن‌ها خطاب به هر کس که به "حق تعیین سرنوشت" اشاره کند می‌گویند که این حق، ملتی را شامل می‌شود که دارای دولت باشد. از دیدگاه آن‌ها ملت تصنعی ایران است که تنها دارای این حق است نه کورد و عرب و بلوچ و... .

به نظر من تا بدینجا توانسته‌ایم بنیادی سیاسی، فلسفی و استراتژیک را برای تعریف خود و حقوق ملی‌مان مشخص کرده باشیم و با این روش می‌توانیم مشروعیتی جهانی نیز به خواست‌هایمان بدهیم. اما آنچه که مهم است و می‌خواهم به آن اشاره کنم تحریفی‌ست که برخی از دیدگاه موجود در ملت فارس، که دیدگاهی فاشیستی به مسائل دارند، توانسته‌اند بر فضای سیاسی ایران تحمیل

ادامه صفحه ۵

است. در بند دوم این منشور که به ساختار سازمان ملل می‌پردازد و کشورهای عضو این سازمان آن را پذیرفته‌اند آمده است:

All members Shall refrain in their international relations from the threat or use of force against the territorial integrity or political independence of any state, or in any other manner inconsistent with the Purposes of the United Nations

کلیه اعضاء در روابط بین‌المللی خود از تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت قلمرو یا استقلال سیاسی هر کشوری یا از هر روش دیگری که با مقاصد ملل متحد مابین داشته باشد خودداری خواهند نمود.

این بند از منشور سازمان ملل سه بنیاد واضح و روشن دارد: اول آنکه از دولت‌های عضو سخن می‌گوید دوم آنکه از روابط بین‌الدول سخن می‌گوید سوم آنکه مفهوم تمامیت قلمرو را در ارتباط با روابط مابین دولت‌ها به کار می‌برد تا از این طریق حدود هر کشوری را مشخص کند.

آنچه که در ایران و در بنیادهای تفکر فاشیستی آن، جا خوش کرده است و قصد دارند تا آنرا به هژمونی سیاسی و فکری غالب بر تمام ایران بدل سازند، آن است که با سواستفاده از مفهومی که در باب حدود مابین دو یا چند دولت در ساختار **UN** مشخص شده است، به تحریف افکار و ایجاد تفکری منحرف شده دست بزنند تا از این طریق به حدود و مرزهای ایران تقدس بخشند، به همین خاطر مفهوم حفظ تمامیت ارضی را از آن گرفته تا همه‌ی گروه‌ها و ملیت‌های ایران را محکوم به پذیرش سلطه مرکز کنند.

در واقع با این مفهوم تحریف شده تمام بندهای پیمان‌نامه‌ها و میثاق‌های جهانی را رد

کنند. این تعریف عبارت است از مطرح کردن مفهومی به نام "حفظ تمامیت ارضی" و اینگونه نشان می‌دهند که این مفهوم و اصطلاح امری جهانی است و در اسناد حقوق بشر نیز ذکر شده است و هر فعال سیاسی ایران نیز باید پایبند آن باشد!

مفهوم تحریفی "تمامیت ارضی ایران"

در تمام اسناد و میثاق‌های بین‌المللی مربوط به حقوق بشر و حقوق گروه و ملت‌ها هیچ مفهومی به نام "تمامیت ارضی" ذکر نشده است.

منشور جهانی حقوق بشر، که از اول تا آخر از حقوق انسان‌ها و دفاع از آنان و گروه‌ها در برابر تجاوزات دولت‌ها سخن می‌گوید نه تمامیت ارضی، به وضوح سخن از حق انسان‌ها در تعیین مکان زندگی می‌کند و حتا در بند بیست‌وهشتم این منشور جهانی به نظم و قانونی بین‌المللی و اجتماعی اشاره دارد که می‌بایست برای حفظ حقوق بشر ایجاد شود و حقوق بشر را در مقابل استبداد دولت‌ها قرار می‌دهد و اولویت را به انسان می‌دهد نه اراده‌ی دولت‌ها.

میثاق حقوق سیاسی و مدنی و میثاق حقوق اقتصادی و فرهنگی و نیز پروتکل‌های پیوستی آن‌ها، همگی از حقوق انسان‌ها و گروه‌ها و خلق‌ها سخن می‌گویند.

در واقع آنچه که در فلسفه این میثاق و منشور دیده می‌شود، عبارت است از توجه ارزشی به انسان نه بها دادن به اراده‌ی دولت و سرزمین تحت سلطه‌شان. حال اگر دولتی ضدبشری و دارای سیستمی غیردمکراتیک باشد، به نظم بین‌المللی مذکور این اجازه را می‌دهد که آن را تحت فشار قرار دهد تا حقوق افراد، گروه و خلق‌های زیردست خود را رعایت کند.

تنها سند جهانی که به حاکمیت دولت و تمامیت ارضی اشاره دارد، منشور سازمان ملل

کرده و از تو می‌خواهند که دست از حقوق مسلم خود که در میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی به رسمیت شناخته شده است، برداری و وفادار به قدرت مرکزی باشی و نسبت به اراده‌ی ملت حاکم فرمانبردار بمانی و از اراده‌ی خود چشم‌پوشی کنی.

از همه مضحک‌تر آن است که تمامی جرایانات فارس که مدعی دمکرات بودن و پایبندی به منشور و میثاق‌های جهانی هستند، آن‌ها نیز از مفهوم فاشیستی "حفظ تمامیت ارضی" در میان ملیت‌ها و جامعه ایران بهره می‌برند و تحت لوای دمکرات بودن و پایبندی به حقوق بشر، چنان فضایی ایجاد کرده‌اند که هر حزب و گروهی از ملیت‌های تحت ستم که پایبندی خود به این مفهوم را به اثبات نرساند در خانه‌ی "تجزیه‌طلب" و ابزاری در دست بیگانگان قرار می‌گیرد.

از آن رویی مفهوم "حفظ تمامیت ارضی" را فاشیستی می‌دانیم که جریانات مذکور از اصطلاحی که سازمان ملل در روابط بین‌الدول بکار برده، در راستای مطیع کردن ملیت‌های تحت ستم ایران در مقابل اراده‌ی ظالمانه سواستفاده کرده است.

آنچه از این منظر حائز اهمیت است، سلطه‌ی دولت بر سرزمین تحت سیطره‌اش می‌باشد که باید این جغرافیا به هر شیوه‌ی ممکن حفظ و سلطه‌ی حاکمیت به هر قیمتی بر آن تثبیت گردد، چنین دیدگاهی به حکومت بغداد مشروعیت می‌دهد که با همکاری سپاه پاسداران و با هجوم حشد شعبی و صدها جنایت دیگر، کرکوک را به تصرف خود درآورد.

بر اساس این دیدگاه، انسان‌ها و گروه‌های جامعه مینا و اساس نیستند، بلکه مینا بر سلطه و قدرت دولت قرار می‌گیرد و اگر لازم باشد می‌تواند از زور بهره ببرد تا گروه‌ها را مطیع اراده‌ی مرکز کنند. در حالی که فلسفه‌ی حقوق بشر و خلق‌ها در تضاد با آن قرار دارد.

برای تشریح بیشتر بحث مذکور

می‌توان به مواضع دولت‌هایی همچون بریتانیا و کانادا اشاره کنیم، البته نمونه‌های متعدد دیگری نیز وجود دارد اما ذکر همین دو مثال کافیست تا متوجه شویم که این مفهوم تنها مختص به روابط بین‌الدول است تا مابین ملیت‌های موجود در یک کشور.

بعد از به رسمیت شناخته شدن "حق تعیین سرنوشت" هم بریتانیا این اجازه را به اسکاتلند داد که با برگزاری رفراندوم در مورد سرنوشت خود تصمیم بگیرد و هم کانادا نیز به مردم کبک این اجازه را داده است که در صورت تمایل و هر وقت که خواستند، با برگزاری همه‌پرسی کشور خود را تاسیس کنند.

هیچ یک از مکاتب و دیدگاه‌های سیاسی موجود در این دو کشور نیز اعلام نکرده‌اند که برگزاری رفراندوم در اسکاتلند یا کبک، علیه "حفظ تمامیت ارضی" است!! آیا بریتانیایی‌ها و کانادایی‌ها به اندازه‌ی ایرانی‌ها از حقوق بشر و حقوق خلق‌ها آگاه نیستند؟ یا زمانی که کوردستان عراق خواست، برای تعیین سرنوشت خود رفراندوم برگزار کند، تنها حکومت‌های ترکیه و ایران و نیروهای فارس بودند که از مفهوم "حفظ تمامیت ارضی" عراق سخن می‌گفتند و تمام طرفهای سیاسی جهان تنها در مورد زمان برگزاری آن مناقشه داشتند و بر این باور بودند که جنگ علیه داعش را تضعیف خواهد کرد و یا اعلام کردند که با دولت بغداد به توافقی برسید تا آشوب روی ندهد. در واقع جامعه‌ی بین‌الملل هیچگاه رفراندوم کوردستان را امری در ضدیت با تمامیت ارضی عراق تفسیر نکرده است.

اگر "حفظ تمامیت ارضی ایران" به بنیاد فکری ما بدل شود در ایران آینده که جمهوری اسلامی دیگر موجودیت ندارد و حکومت دمکراتیکی نیز روی کار آمده، آنگاه اگر ملتی غیر فارس و غیره کورد خواهان تاسیس دولت خود باشد، آن خواسته را علیه تمامیت ارضی تفسیر خواهیم کرد و آن زمان باید

کوردها همکار مرکز باشند در تحمیل کردن حاکمیت مرکزی بر آن ملت. یا اگر در میان میان کوردها حزب یا جناحی خواهان استقرار دولت کوردی شد، آن زمان باید علیه آن ایستاد چرا که بنیاد فکری‌مان را زیر سوال برده و علیه آن عمل می‌کند!

مفهوم حفظ تمامیت ارضی ایران تنها باید در مقابل دول دیگر تعریف شود. به مانند آن زمانی که حزب دمکرات کوردستان ایران اعلام کرد که حاضر است در مقابل تهاجم رژیم عراق بایستد به شرط آنکه ایران حقوق ملت کورد را به رسمیت بشناسد.

هنگامی که تاکتیک، استراتژی و اهداف را به ناپودی می‌کشاند در ارتباط با مطرح شدن "حفظ تمامیت ارضی" و پذیرش آن از سوی برخی از جناح‌های کورد، این بهانه مطرح می‌شود که افزوده شدن این بند به بیانیه، تنها تاکتیکیست تا از این طریق دل برخی از گروه‌های سراسری را به دست آورد و در قبال پذیرش حقوق ملیت‌های ایران از سوی این گروه‌ها این امتیاز به آنان داده شده است تا از این طریق نیز بتوانند نظر دیگر گروه‌های فارس را جلب کنند.

آنچه در کنش و روابط سیاسی حائز اهمیت است تعیین استراتژی بر مبنای اهداف و طراحی تاکتیک‌ها بر اساس استراتژی‌های مشخص شده می‌باشد. در تعیین نوع تاکتیک‌ها نیز هر جناح و حزبی مختار می‌باشد و کسی حق ندارد برای طرف دیگر تاکتیک مشخص کند. اما از آن مهمتر این مساله می‌باشد که تاکتیک باید در چارچوب استراتژی تعریف شود نه اینکه تاکتیک تعیین شده اصل استراتژی را زیر سوال ببرد و از آن بدتر، تاکتیکیست که اهداف و آرمانها را تضعیف و یا حتا موجبات نابودی آنرا مهیا می‌کند.

واضح و مبرهن است که در نوع روابط سیاسی و همکاری با جناح‌ها و نیروهای وابسته به ملیت‌های تحت ستم و احزاب فارس، باید برخی از

و چرا در آن‌ها بدهند؛ مگر در زمان انتخابات و کسب رای. آخرین نمونه‌اش دولت بنفش حسن روحانی است که در حوزه‌ی سانسور و قلع و قمع آثار ادبی و هنری به راستی یادآور "جیب بنفش" است. در این بیانیه به تداوم و استمرار مبارزه‌ی آزادیخواهان با سانسور و سرکوب اشاره شده و آمده است:

امسال سیزدهم آذر، روز مبارزه با سانسور، را در حالی گرامی می‌داریم که عرصه‌ی سانسور ستیزی و دفاع از آزادی بیان یکی از یاران و رهروان همیشگی، پیگیر و نامدار خود، علی‌اشرف درویشیان را از دست داده است. راه اما تا لغو و محو کامل سانسور، به‌ویژه سانسور آشکار و نهان دولتی، ادامه دارد و بی‌گمان، مانند گذشته، رهپویان پایدار خود را می‌پرورد.

در ادامه‌ی این بیانیه نیم‌نگاهی به فضای خفقان حاکم بر ایران انداخته شده و متذکر می‌شود که: از پرده پایین کشیدن برخی فیلم‌ها یا ندادن اکران و ایجاد محدودیت برای آن‌ها و لغو اجازه‌ی اجرای کنسرت‌های مجوزدار و جمع‌آوری کتاب‌های منتشر شده که در نمایشگاه کتاب سال جاری به وفور رخ داد، از نمونه‌های مکرر در مکرر این روزها و در چند سال اخیر است. نمونه‌ی بارز دیگر ممنوعیت صدای زنان است؛ یعنی محروم کردن نیمی از مردم جامعه از حق بدیهی‌شان... سانسور همچنان با قوت هر بیشتر ادامه دارد و مقابله با آن نیز.

کانون نویسندگان ایران، روز ۱۳ آذر را به یاد محمد مختاری و محمدجعفر پوینده که در سال ۱۳۷۷ شمسی به دست عوامل جمهوری اسلامی ایران کشته شدند، روز مبارزه با سانسور اعلام کرده است.

تاکتیک‌ها را مدنظر قرار داد تا طرف مقابل راضی باشد و نظر او را جلب کرد، با اینکه امکان دارد تو زیاد از این مساله راضی نباشی. اما آیا نیروها و احزاب فارس حاضرند که از میثاق جهانی حقوق مدنی و سیاسی که پنجاه سال است آنرا امضا کرده‌اند سخن بگویند و آشکارا اعلام کنند که "حق تعیین سرنوشت" را برای ملیت‌های تحت ستم و از جمله کوردها قبول دارند؟

هنگامی که به این اصل باور داریم که ایران از چندین ملیت تشکیل شده و هیچکدام نیز بر دیگری ارجحیت ندارند، در اینصورت با هم بودن و با هم زیستن ما نیز باید بر اساس خواست و اختیار هر کدام از این ملیت‌ها باشد و در این میان "دولت مشترک" باید از چنان جذباتی برخوردار باشد که هیچکدام از ملیت‌ها خواهان جدایی نباشند، نه اینکه ملیت‌ها را سوگند داد که به هر طریق ممکن تابع اراده "حفظ تمامیت ارضی" خواهند بود.

هنگامی که اصطلاحی شونیستی را قبول کردیم که کلیت افکار و فلسفه‌ی وجودی و حقوق‌مان را زیر سوال برده است، دیگر نمی‌توان آنرا تاکتیک نامید، بلکه در واقع دست کشیدن از اهداف

باورها محسوب می‌گردد. اگر بر این باور باشیم که ایران یک ملت است و کوردها بخشی از آن‌اند، در اینصورت پذیرش چنین اصطلاحی را می‌توان تاکتیک نامید اما از منظرگاه دید اول که پیشتر به آن اشاره کردم - یعنی ایران از ملیت‌های متفاوت تشکیل شده که هیچکدام بر دیگری ارجحیت ندارند - اصطلاح "حفظ تمامیت ارضی" دست کشیدن از اهداف و نابودی استراتژی تعریف می‌شود. می‌توان در قبال تاکتیک و منافع مقطعی به سازش دست زد و محتملا می‌توان در شرایط ضعف نیرو، برخی از حقوق و خواست‌ها را مطرح نکرد، اما بی‌شک نمی‌توان در قبال اصول، دیدگاه و آرمانها دست به سازش زد.

کانون نویسندگان ایران، روز ۱۳ آذر را به یاد محمد مختاری و محمدجعفر پوینده که در سال ۱۳۷۷ شمسی به دست عوامل جمهوری اسلامی ایران کشته شدند، روز مبارزه با سانسور اعلام کرده است.

کانون نویسندگان: جامعه ایران با عریان‌ترین، گسترده‌ترین و خشن‌ترین نوع سانسور روبروست

با عریان‌ترین، گسترده‌ترین و خشن‌ترین نوع سانسور روبروست.

سانسوری با مضمون ایدئولوژیک - سیاسی که قانون و قدرت همه جانبه دولتی پشتوانه حیات و اجرای آن است.

در این بیانیه به تندی از سیاست‌های موزیانه‌ی رژیم و به ویژه دولت حسن روحانی در مقابله و سانسور با آثار نویسندگان انتقاد شده و متذکر می‌شود: قانون‌هایی که در چند دهه‌ی اخیر دولت‌های متعدد و پشت سرهم مجری آن‌ها بوده‌اند بی‌آن که اجازه‌ی چون



در همه‌ی ابعاد زندگی در ایران به شدت انتقاد کرده و خواهان برجیده شدن سانسور در هر شکل و لباسی شد. در این بیانیه آمده است: جامعه ایران

کانون نویسندگان ایران روز یکشنبه دوازدهم آذر ۱۳۹۶ به مناسبت روز مبارزه با سانسور، در بیانیه‌ای از شدت و وسعت بی‌سابقه‌ی سانسور

همزمان با روز "مبارزه با سانسور" کانون نویسندگان ایران بیانیه‌ای در باب وجود سانسور گسترده در ایران منتشر کرد.

زلزله، سنبلی برای اتحاد ملی و بهانه‌ای برای به چپاول



مهمل فتمی

در شامگاه بیست و دوم آبان ماه ۱۳۹۶ شمسی، زلزله‌ای ۷/۳ ریشتری بخش اعظم استان کرمانشاه و قسمت‌هایی از کردستان عراق را لرزاند و

بیش از ۱۰ هزار کشته و زخمی از خود به جایی گذاشت و ویرانی‌های گسترده‌ای را در این شهرها به دنبال داشت. این حادثه گرچه ناگوار و تلخ بود اما بلافاصله کردها در تمامی نقاط کردستان به منظور یاری رساندن به حادثه‌دیدگان این زلزله در حرکتی بی‌نظیر، به جمع‌آوری اجناس و مواد خوراکی مورد نیاز هموطنان خود در شهرهای زلزله‌زده اقدام نمودند و انسجام و یکدلی خود را به ثبت رساندند و به دنیا نشان دادند که ملت کورد اگر چه از حمایت‌های خارجی محروم است، اما در مواقع حساس به یاری یگدیگر می‌شتابند و تنها

پشتیبان هم‌دیگرند. در حالی که این امور به عهده دولت و حکومت می‌باشد و می‌بایست دولتی که در زمان نیاز داشتن به آراء این مردم، میلیاردها تومان صرف کشاندن مردم به پای صندوق‌ها می‌کند، تا بتواند نظر مردم ستمدیده کورد را بسوی یکی از مهره‌های خود جلب نماید، در چنین مواقعی نیز به یاری مردم بی‌سربناه و داغ دیده می‌شتافت و در این فصل سرما این مردم را به حال خود رها نمی‌کرد و با کمک‌رسانی و امدادگری‌های اجتماعی، حداقل بخش اندکی از غصه‌های این مردم را کاهش می‌داد و از همه نظر خود را در

غم این حادثه ناگوار شریک مردم به حساب می‌آورد. این وظیفه انسانی و قانونی، که رژیم اسلامی ایران در مناطق کردستان، خود را در برابر آن مسئول نمی‌داند، از سیاست‌ها و ایدئولوژی‌هایی سرچشمه می‌گیرد که این رژیم در مورد ملت کورد، در راس برنامه‌های خود قرار داده و این داستان و غرض‌ورزی‌ها دولت‌مردان جمهوری اسلامی ریشه‌ای تاریخی و باوری سرکوب‌گرایانه دارد که با زرف‌نگری تاریخی و سیاسی ابعاد آن کشف و ظاهر می‌شوند. یکی از مهمترین دلایل برخورد بی‌مسئولانه رژیم در این خصوص به نوع نگرش متعصبانه و سیاست دگماتیستی آن در مورد مردم کردستان برمی‌گردد، که این دشمنی شاید در نوع خود از سوی حاکمان مرکز نشین چیزی تازه و بعید نباشد، اما هیچ کدام از نظام‌های حاکم

بر کردستان، این چنین سیستماتیک در مقابل ملتی که همیشه مورد نامهربانی‌ها قرار گرفته‌اند، دشمنی خود را آشکار نساخته‌اند و بدون هیچ ترسی، سیمای ضد کورد بودنش را به نمایش بنگذاشته است. اگر از زاویه‌ای دیگر این مساله را مورد ارزیابی قرار داد، این حرکات و کمک‌رسانی‌های مردمی و بی‌تفاوتی‌های رژیم نسبت به حادثه‌دیدگان زلزله هم برای ملت کورد و هم برای بر کردستان حاوی دو پیام می‌باشد. یکی از پیام‌های این حرکت جمعی در دو نمود چشمگیر (جمع‌آوری اقلام مورد نیاز و بازگرداندن بیکر ابوبکر معروفی اهل بوکان و از جمله امدادرسانانی که در راه کمک به آسیب‌دیدگان جان باخته است) اتحاد و یکدلی ملت کورد را نشان می‌دهد، که از

سرمایه‌گذاری فاشیستی و پس‌لرزه‌های زلزله‌ی کرمانشاه



شهرام کرمانشاهی

مشولین جمهوری اسلامی ایران، زلزله‌زده‌گان را تهدید کرده‌اند که اگر از کمک‌های مردمی استفاده کنند وام‌های بلاعوض را به آن‌ها نخواهد داد. فعالین مدنی کردستان نیز با انتشار این خبر در شبکه‌های اجتماعی اظهار داشتند که جمهوری اسلامی با تهدید کردن مردم مانع استفاده آن‌ها از کانکس‌های اهدایی می‌شود. یکی از این فعالین در صفحه فیسبوک خود نوشت: ۲۵ کانکس از طریق مردم و انجمن‌های مردمی به روستای "ناوه فره" اهدا شده اما کسی از آن استفاده نمی‌کند چرا که دولت اعلام کرده هرکس از کمک‌های مردمی بهره‌مند شود، به او وام داده نمی‌شود. این در حالی‌ست که بنابر اظهارات مسئولین حکومتی، زلزله‌زده‌گان کرمانشاه به حداقل ۱۲ هزار کانکس نیاز دارند، با این وجود تاکنون تنها ۴۰۰ کانکس در مناطق زلزله‌زده دایر شده است. با تمام این اوصاف و وعده‌های حکومتی مبنی بر کمک‌های دولتی برای ساخت، علیرضا تابش، رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، بعد از دیدار از مناطق زلزله‌زده، مسئولیت بازسازی این مناطق را بر عهده‌ی مردم دانست نه حکومت. او متذکر شد که: بازسازی منازل مسکونی به همت مردم بستگی دارد و اگر مردم سرعت بیشتری به خرج بدهند ما حدس می‌زنیم یک سال طول می‌کشد این خانه‌ها ساخته شود.

اما عمق فاجعه و از آن بدتر سیاست‌های حکومت در عدم کمک‌رسانی تعمدی به آسیب‌دیده‌گان و نیز ممانعت از رسیدن کمک‌های مردمی به دست آنان، دولت حسن روحانی را بر آن داشت تا فضایی کاملاً امنیتی و سرکوب‌گرانه در مناطق مذکور ایجاد کند. در همین رابطه دادستان کرمانشاه به

بهبانی مدیریت بحران، در سرپل ذهاب حکومت نظامی اعلام کرد. خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران، در صبح روز یکشنبه بیست و هشتم آبان ماه با اعلام این خبر به نقل از محمد حسین صادقی، دادستان عمومی و انقلاب استان کرمانشاه، اظهار داشت: "اجازه نمی‌دهیم، زمینه برای برخی از افراد فرصت طلب مستعد شود تا از این فضا سوءاستفاده کنند و در همین رابطه ورود و خروج‌ها به شهر سرپل‌ذهاب کنترل می‌شود." بعد از اعلام حکومت نظامی طولی نکشید که دستگیری‌های آغاز شد. بنابر گزارش منتشر شده‌ای از آژانس خبررسانی کُردیا، روز پنج‌شنبه دوم آذرماه، یک خبرنگار گیلان‌غربی به نام "ارژنگ زرگوش" از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال یافته است. در همین راستا خبرگزاری‌های حقوق‌بشری از بازداشت بیش از ده نفر از فعالین مدنی و خبرنگار در شهرهای مختلف کردستان به علت اعتراض به عدم کمک‌رسانی تعمدی رژیم به قربانیان زلزله‌ی کرمانشاه و یا ایجاد کمپین‌های کمک‌رسانی مردمی خبر می‌دهند. از جمله این فعالین "رحمان مدنی"، "ادریس محمودی" و "جوانزو قادری" از سردشت، "قاسم زرگرزاده" شهروند کرمانشاهی، "مجید حسینی" اهل بوکان و "شهرام فرهادی" از فعالین مدنی سنندج که درحین بارگیری کمک‌های مردمی به زلزله‌زده‌گان کرمانشاه توسط نیروهای حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران بازداشت گردید. روزنامه‌نگاران و فعالین مدنی کورد حاضر در منطقه با افشا کردن سیاست‌های ضدبشری حکومت اسلامی ایران و عدم کمک‌رسانی تعمدی به زلزله‌زده‌گان و انتشار سخنان

قربانیان زلزله در شبکه‌های اجتماعی، که این رفتارهای ضدبشری حکومت را به کورد بودنشان و دشمنی رژیم ایران با کوردها ربط می‌دادند، موجب شکل‌گیری موج عظیمی از اعتراضات و ناراضی‌های داخلی و خارجی شدند. در همین راستا، پارلمان کانادا از جمله نهادهای خارجی بود که نسبت به سیاست‌های ضدبشری ایران در قبال قربانیان زلزله واکنش نشان داد. تام کمیچ، از نمایندگان پارلمان کانادا، در سخنانی در صحن پارلمان این کشور اظهار داشت: "بحران انسانی در کردستان در حال رخ دادن است و این بحران بعد از زلزله عمیق‌تر شده است. ما ماهیت این فاجعه و اعتراضات در کردستان را در اینترنت به وضوح دیده‌ایم و این امر، جهان را از وقوع فاجعه‌ای انسانی در کردستان، بعد از وقوع زلزله آگاه ساخته است."

اما از همه مضحک‌تر سخنان خامنه‌ای در روز دوم اجلاس "محبان اهل بیت" است. خامنه‌ای طی سخنانی در این نشست از بخشش و رثوخت رژیم اسلامی ایران نسبت به کشورهای اسلامی سخن گفت و اظهار داشت: هرچا که به ما نیاز باشد، فی‌الفور به کمک آن‌ها خواهیم شتافت. این سخنان در حالی ابراز می‌شود که رئیس هلال‌احمر کرمانشاه از نبود امکانات لازم برای کمک‌رسانی به مردم

زلزله‌زده‌گان سخن می‌گفت و از مردم خواست که به این سازمان کمک کنند یا صداوسیما ایران در همان روز اول زلزله اعلام کرد: "آسیب‌دیدگان نباید چشم به راه کمک حکومت باشند و فقط دعا بکنند." در دنیای امروز که تفسیر "دهکده‌ی جهانی" مارشال مک لوهان است، هیچ سخنی نه گم می‌شود و نه فراموش و اینگونه است که تضاد و تناقضات ذاتی حکومتی ضد بشری همچون ایران اسلامی در فاصله‌ی زمانی بسیار کوتاهی عیان می‌گردد. حال اگر کمی بیشتر به عقب برگردیم و سیاست‌های کلی حکومت‌های ایران - که بر مبنای نابودی فیزیکی و معنوی کوردها استوار گردیده - را به خوبی تحلیل کنیم و نقطه سرآغاز آسمیلاسیون فرهنگی کرمانشاه در عصر جدید را در همان اواخر عمر قاجار قرار دهیم، به روشنی متوجه می‌شویم که گذر زمان نه تنها از سطح ویرانگری سیاست‌های فاشیستی حکومت‌های پی‌درپی ایران علیه کوردها نکاسته بلکه بر دامنه‌ی آن نیز افزوده است. اگر به این واقعیت عیان اعتراف کنیم که گذر زمان چه در حال و چه گذشته، نه تنها حلال مشکلات کرمانشاه نبوده بلکه ما را بدتر به سوی قهقرا سوق داده، شاید تحولات ماه‌های اخیر و به ویژه زلزله‌ی کرمانشاه با تمام تلخی‌ها و

شیرینی‌هایش - تلخی از آن روی که زلزله، قربانیان کثیری را به کام خود بلعید و حکومت بر وسعت این فاجعه افزود و شیرین از آن روی که کوردهای تمام نقاط کردستان تا بدین لحظه اقیانوس‌وار در حال کمک‌رسانی به مردم هستند - ما را به این قناعت رخواهد رساند که، از دید دستگاه حاکمه همه ما کوردها - فارغ از مذهب و لهجه‌هایمان - غریبه و دشمن هستیم، مردمانی که به هر شیوه‌ی ممکن باید از بین بروند، حال چه حذف فیزیکی باشد یا حذف معنوی و ذوب شدن در فرهنگ و زبان ملت حاکم. اما از سوی دیگر باید گفت که رویدادها و فعالیت‌های ایام بعد از زلزله، خبر از آینده‌ای می‌دهد که قشر آگاه و فعال سیاسی - اجتماعی کورد در کرمانشاه و ایلام، رادیکال‌تر و راسخ‌تر از دیروز و با دیدی دیگر در مقابل ملت - طبقه‌ی حاکم به ادامه خواهند داد و باید انتظار خیزشی عظیم از سوی آنان باشیم. پس‌لرزه‌هایی که بی‌شک خبر از زلزله‌ی اجتماعی - سیاسی در این مناطق می‌دهد که هرگونه سرمایه‌گذاری فاشیستی حکومت‌های ایران طی یک قرن اخیر را به باد فنا خواهد داد، در واقع آینده‌ی این مناطق آستن رویدادهای شگرفی در حوزه‌ی حق‌خواهی ملی کوردها خواهد بود.

عقاب‌های زاگرس،

یکی از مزدوران رژیم را به سزای خیانت‌هایش رساندند

همچنین این بیانیه به حضور قاسمی در درگیری "قرسقل" -درگیری میان نیروهای آزادیخواه پیشمرگه و تروریست‌های سپاه پاسداران در بهار سال گذشته- اشاره کرده که سرانجام شامگاه یکشنبه به سزای خیانت‌هایش به خاک و ملت رسید.

معروف به محسن -از مزدوران رژیم اسلامی ایران در شهر اشنویه- را به سزای خیانت‌هایش رسانده‌اند. بیانیه مذکور متذکر می‌شود که این مزدور اهل رستان سلماس بوده که در روستای "شیخان" از توابع اشنویه ساکن بوده است.

عقاب‌های زاگرس در شهر اشنویه طی عملیاتی، یکی از مزدوران رژیم اسلامی ایران را به سزای خیانت‌های‌صاخش رساندند. وبلاگ "عقاب‌های زاگرس" با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که شامگاه یکشنبه دوازدهم آذر ۱۳۹۶، صالح قاسمی

عفو بین الملل:

به سرکوب زنان مدافع حقوق بشر پایان دهید



توهین آمیز و نفرت پراکنانه نسبت به زنان مدافع حقوق بشر خودداری کنند و قوانین تبعیض آمیز از جمله ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی در باب حجاب اجباری را ملغی سازند که ناقض حقوق زنان و مغایر با اصول آزادی عقیده و دین، آزادی بیان و اصل برابری و عدم تبعیض است و همچنین به سوء استفاده از نظام کیفری برای سرکوب زنانی که به دنبال اصلاح قوانین تبعیض آمیز هستند پایان دهند

می‌کند. رسانه‌های حکومتی غالباً از الفاظ توهین آمیزی مثل "فاحشه"، "منحرف" و "فاسد" برای تحقیر این زنان استفاده می‌کنند. این سازمان می‌افزاید: همچنین مدافعان حقوق بشری که صریحاً با حجاب اجباری اعلام مخالفت کرده‌اند، متهم به "توهین به اسلام" و تهدید به مجازات‌های سنگین، از زندان تا اعدام، شده‌اند. عفو بین الملل به مقامات ایران توصیه کرده است که از استفاده از ادبیات جنسیتی

همزمان با "روز جهانی زنان مدافع حقوق بشر" عفو بین الملل از ادامه سرکوب زنان مدافع حقوق بشر در ایران انتقاد کرد. این سازمان حقوق بشری اعلام کرده است که این سرکوب شامل برخوردهای شدید با زنان مخالف حجاب اجباری نیز می‌شود.

عفو بین الملل تاکید کرده است که این دسته از فعالان خواهان احترام به حق آزادی بیان، دین و عقیده زنان هستند که حجاب اجباری نقض

به علت اعتراض به عدم کمک‌رسانی تعمدی رژیم به قربانیان زلزله‌ی کرمانشاه و یا ایجاد کمپین‌های کمک‌رسانی مردمی خبر می‌دهند.

از جمله این فعالین "رحمان مدنی"، "ادریس محمودی" و "جووانو قادری" از سردشت، "قاسم زرگرزاده" شهروند کرمانشاهی، "مجید حسینی" اهل روستای میرآباد بوکان و "شهرام فرهادی" از فعالین مدنی سنندج که درحین بارگیری کمک‌های مردمی به زلزله‌زدگان کرمانشاه توسط نیروهای حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران بازداشت گردید.

آمارهای غلط ارائه شده از سوی دولت اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد: مردم شب و روز در سرمای شدید و بدون سرپناه روزگار می‌گذرانند و هیچ مسئولی هم پاسخگو نیست.

ارژنگ زرگوش متولد ۱۳۵۱ خبرنگار و تحلیلگر سیاسی است که پیشتر نیز چندین بار بازداشت و حبس در کرمانشاه و شیراز را به اتهام "هواداری از گروه‌های سیاسی مخالف نظام" تجربه کرده است.

قابل ذکر است خبرگزاری‌های حقوق بشری از بازداشت هشت فعال مدنی و خبرنگار در شهرهای مختلف کوردستان

"ایراد سخنانی درباره سقوط حکومت" از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت و به مکان نامعلومی انتقال یافته است.

بنابر کلیپ تصویری منتشر شده‌ای، ارژنگ زرگوش در حال بیان سخنان اعتراض آمیزی نسبت به عملکرد رژیم در مقابل زلزله‌زدگان کرمانشاه است.

او در میان مردم از وضعیت وخیم و عدم کمک‌رسانی حکومت به مردم آسیب‌دیده سخن می‌گوید و اظهار می‌دارد: در جمهوری اسلامی هیچگاه مردم ارزش نداشته‌اند و تنها هنگامی که احساس خطر کرده است به سراغ آن‌ها آمده. او در ادامه‌ی سخنان خود به

بازداشت خبرنگار گیلان غربی به دلیل

اعتراض به وضعیت زلزله‌زدگان

خبرنگار کرمانشاهی که در حمایت از زلزله‌زدگان و اعتراض به عدم کمک‌رسانی تعمدی ایران به قربانیان زلزله سخنانی گفته بود، بازداشت شد.



بنابر گزارش منتشر شده‌ای از آژانس خبررسانی کوردپا، روز پنجشنبه دوم آذرماه، یک خبرنگار کورد به نام "ارژنگ زرگوش" اهل روستای "گامیش چران" از توابع شهرستان گیلانغرب به اتهام

یک فعال مدنی کورد بالاجبار از ایران خارج شد

نیروهای اطلاعاتی بازداشت و با تودیع وثیقه سنگین از زندان آزاد شده بود. حمزه شیخی طی چند سال اخیر، چندین بار از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت شده و آبان‌ماه سال جاری وی توسط حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران در نقده بازداشت و نیروهای اطلاعاتی این فعال کورد را مجبور به امضای نامه‌ای مبنی بر همکاری با احزاب کورد اپوزیسیون حکومت ایران کرده بودند.

این فعال مدنی کورد، کارشناس مهندسی کامپیوتر، مسئول بخش فنی و آموزش انجمن فرهنگی ادبی "هه‌تاو" در نقده بوده و چندین مقاله را در ماهنامه "مه‌باد" و مجله "هه‌تاو" به چاپ رسانده است.

رد این خواسته از سوی حمزه شیخی، جهت بازداشت او به منزل شخصی وی یورش برده و نیروهای اطلاعاتی با بی‌حرمتی به خانواده شیخی بخشی از وسایل شخصی این فعال مدنی را ضبط و موفق به بازداشت وی نشده بودند.

این منبع آگاه افزود: "نیروهای اطلاعاتی خانواده شیخی را تهدید کرده بودند که باید حمزه شیخی پس از ۲۴ ساعت خود را به اداره اطلاعات نقده معرفی نماید، پس از تهدیدات مکرر نیروهای اطلاعاتی این فعال مدنی کورد به همراه خانواده‌اش از ایران خارج شده است."

این فعال مدنی کورد پیشتر به اتهام "ارتباط با سازمان‌های حقوق بشری در نروژ" از سوی

یک فعال مدنی کورد اهل شهرستان نقده به دلیل فشار نیروهای اطلاعاتی مجبور به ترک ایران و در یکی از کشورهای همسایه ایران سکونت یافته است.

چند روز قبل، نیروهای اطلاعاتی وابسته به حفاظت اطلاعات سپاه پاسداران طی تماس تلفنی با یک فعال مدنی کورد به نام "حمزه شیخی" اهل نقده از او خواسته بودند که خود را به حفاظت اطلاعات سپاه در نقده معرفی و پاسپورت خود را تحویل این اداره بدهد، اما این فعال مدنی این خواسته نیروهای اطلاعاتی را رد کرده بود.

یک منبع آگاه در این باره به آژانس کوردپا اعلام کرد: "نیروهای اطلاعاتی پس از

احضار شش فعال مدنی کورد به اطلاعات سنندج

رحمان مدنی و جوآنرود قادری و "سلام گلنواز" امام جمعه روستای "شیوه ابراهیم" به اداره اطلاعات سردشت احضار گردیدند. این سه فعال مدنی به اتهام حمایت از کمپین "وه‌ته‌ن چاوی لمانه" و سلام گلنواز نیز به دلیل حمایت از آنان به اداره اطلاعات احضار شده بود.

کورد را به ترتیب ذیل اعلام کرد: فرهاد چتانی، طیب چتانی، لطف‌الله احمدی، حیدر اخته، افشین ادب و احمد کرباسچی. اداره اطلاعات سنندج این شش فعال کورد را به دلیل فعالیت‌های مدنی احضار کرده در همین رابطه نیز، روز پنجشنبه دوم آذرماه، سه فعال مدنی کورد به نام‌های "ادریس محمودی،

شش فعال مدنی کورد به اداره اطلاعات سنندج احضار و مورد بازجویی قرار گرفتند. براساس گزارش رسیده به آژانس خبررسانی کوردپا، طی چند روز اخیر، شش فعال مدنی کورد از طریق تماس تلفنی به اداره اطلاعات سنندج احضار و مورد بازجویی قرار گرفتند. خبرنگار کوردپا در سنندج هويت این شش فعال مدنی

اطلاعات مریوان دو شهروند کورد را

در مریوان بازداشت کرد



از سوی نیروهای اطلاعاتی بازداشت شده است. این منبع آگاه در این باره به شهروند کورد پس از بازداشت به مکان نامعلومی منتقل و نیروهای اطلاعاتی پاسخ مشخصی را در رابطه با سرنوشت آنان به خانواده‌هایشان نمی‌دهند.

توسط نیروهای اطلاعاتی بازداشت گردیدند. یک منبع آگاه در این باره به خبرنگار کوردپا در مریوان گفت: تحسین دادرس در فلکه استادبوم بدون اخطار قبلی هدف شلیک نیروهای اطلاعاتی قرار گرفته و پس از زخمی شدن به دلیل اصابت گلوله

نیروهای اطلاعاتی وابسته به اداره اطلاعات مریوان دو شهروند کورد را بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. دو شهروند کورد به نام‌های "آرام نیک بی" اهل روستای "نی" و "تحسین دادرس" اهل روستای "سردوش" از توابع مریوان

یک کولبر کورد در پی تعقیب

و گریز نظامیان حکومتی از ارتفاع سقوط کرد

جان خود را از دست می‌دهند. بار این کولبران، اجناس و اقلام متعلق به تاجرین شهرهای بزرگ ایران است که خارج از قوانین گمرکی جابجا می‌گردد. طبق بند ۱ ماده ۲ اجناس قاچاق، اگر بهای اجناس وارده کمتر از یک میلیون تومان باشد، جرم محسوب نمی‌شود و در بیشتر اوقات، بهای اجناس وارده از سوی کاسبکاران کمتر از این قیمت بوده است.

تحت مراقبت پزشکی می‌باشد، پزشکان بیمارستان وضعیت عمومی او را وخیم اعلام کرده‌اند. نهادهای حکومتی با کولبران و کاسبکاران در کردستان تحت عنوان "قاچاقچیان کالا" برخورد می‌کنند، در حالیکه ساکنین کورد مناطق کوردنشین ایران به سبب نبود فرصت‌های شغلی و نگاه امنیتی حکومت به این مناطق، از روی اجبار به شغل پُرخطر کولبری روی برده و در این ارتباط بسیاری از کولبران

یک کولبر کورد اهل شهرستان سلماس در پی تعقیب و گریز نظامیان حکومتی از ارتفاع سقوط و به شدت مجروح گردید. روز سه‌شنبه سی‌ام آبان‌ماه، یک کولبر کورد اهل سلماس به نام "اسماعیل جباری" ۱۹ ساله در پی تعقیب و گریز نظامیان حکومتی از ارتفاع سقوط و از ناحیه سر دچار جراحت شدید شده است.

این کولبر کورد که هم‌اکنون در یکی از بیمارستان‌های ارومیه